



دیدگاه

شماره: ۸۵۵

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۴/۲۶

موضوع: سیاست نصف کردن تعرفه‌ها: تورم زایی یا تورم زدایی؟ سیاست آزموده شده در سال ۱۳۹۲

تهیه و تنظیم: امین مالکی

توضیح اجمالی:

در قانون بودجه ۱۳۹۸ از طریق یک مهندسی معکوس ساده می‌توان دریافت که دولت نرخ ارز را ۵۲۰۰ تومان در نظر گرفته است. در چنین حالتی بعضی از دستگاه‌ها از جمله گمرک موظف می‌شوند که «نرخ مبنای محاسبه حقوق ورودی» را طبق قانون به این عدد تغییر دهند. گمرک در شش ماهه اول سال جاری نرخ ارز ۴۲۰۰ تومان را مبنای قرار داده است و باید در شش ماهه دوم، آن را به متوسط نیمایی حدود ۸۴۰۰ تومان برساند تا در طول سال به تکلیف خود عمل کرده باشد. اما با افزایش نرخ رسمی ارز یکی از مشکلات دستگاه‌های اجرایی حرکت از نرخ‌های موجود به سمت نرخ‌های رسمی جدید با کمترین میزان تورمزایی خواهد بود. در سال ۱۳۹۱ در سیاستی مشابه، گمرک ایران سعی کرد تا به هنگام دو برابر شدن نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق ورودی، تعرفه‌ها را به نصف کاهش دهد تا مجموع ارزش مشمول حقوق ورودی تغییری نکند. در حال حاضر بار دیگر چنین مصوبه‌ای به شورای عالی اقتصادی (روسای سه قوه) ارسال شده است تا در نیمه دوم سال جاری با دو برابر شدن نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق ورودی، نرخ‌های تعرفه به نصف کاهش یابد و احتمالاً این سیاستی است که در سال ۱۳۹۹ دنبال خواهد شد. شایان توجه است که با نصف شدن تعرفه‌ها میزان دریافتی دولت در فرایند واردات یکسان نمانده و افزایشی قابل توجه می‌یابد. به عبارتی، دولت به بهانه ثابت ماندن حقوق ورودی، دریافتی خود طی فرایند واردات را تا حدود ۲ برابر افزایش می‌دهد؛ زیرا این تنها حقوق ورودی نیست که مشمول تغییرات نرخ رسمی ارز می‌شود بلکه در فرایند واردات، بلافاصله بعد از پرداخت حقوق ورودی، واردکننده باید مالیات بر ارزش افزوده را نیز بپردازد:

حقوق ورودی = عوارض گمرکی + سود بازرگانی

مالیات بر ارزش افزوده = نرخ ارزش افزوده × (ارزش کالا + حقوق ورودی)

اگر یک قطعه ماشین‌آلات با نرخ تعرفه ۱۰ درصد و قیمت ۱۰۰ دلاری داشته باشیم، طبق سناریوی پیشنهادی دولت، با چنین سرنوشتی مواجه می‌شود:

حالت اول: $(4200 \times 100\% + 4200) = 42,000$ تومان

حالت دوم: $(8400 \times 50\% + 4200) = 42,000$ تومان

با نصف شدن تعرفه، در هر دو حالت میزان حقوق ورودی ۴۲ هزار تومان است. اما در واقع این دو عدد یکی نیستند! چون در گام بعدی، وارد فرایند دریافت مالیات بر ارزش افزوده از وارد کننده می‌شویم:

حالت اول: $9\% \times (42000 + 42000) = 41,580$ تومان (میزان مالیات بر ارزش افزوده) ← مجموع حقوق ورودی و مالیات بر ارزش افزوده $42000 + 41580 = 83580$

حالت دوم: $9\% \times (84000 + 42000) = 79,380$ تومان (میزان مالیات بر ارزش افزوده) ← مجموع حقوق ورودی و مالیات بر ارزش افزوده $42000 + 79380 = 121380$

محاسبات فوق صرفاً انعکاسی از حسابداری ساده تورمزایی این سیاست است.

نکات کلیدی:

به این ترتیب چون نرخ ارز مبنای محاسبه ارزش کالا دو برابر شده، به رغم اینکه تعرفه‌ها نصف شده‌اند و میزان حقوق ورودی ثابت مانده، اما بازهم این فرایند تورم‌زا است و مجموع حقوق ورودی و مالیات که در حالت اول ۸۳،۵۸۰ شده به ۱۲۱،۳۸۰ تومان افزایش یافته است. یعنی اگر کالای ۱۰۰ دلاری با نرخ نیمایی (۱۳ هزار تومان) وارد شده باشد و ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان هزینه داشته باشد، در حالت اول ۶،۵ درصد تورم و در حالت دوم ۹،۳ درصد تورم پیدا می‌کند. به این ترتیب سیاست نصف کردن تعرفه‌ها معادل ۳ درصد تورم خالص به اقلام وارداتی تحمیل می‌کند. ضمن اینکه تورم پیش‌بینی شده حداقلی است چون یک عامل تورمزای مخفی دیگر در این سیاست نهفته است و آن اینکه نصف شدن تعرفه‌ها سیاست خوشبینانه‌ای است و برای تعداد زیادی از تعرفه‌ها ملاحظات متعددی در اجرا مانع از این امر می‌شود. تجربه سال ۱۳۹۲ روشن‌گر است. اگر به کتاب قوانین و مقررات سال ۱۳۹۲ نیز مروری داشته باشیم مشخص است که بر خلاف سیاست دولت، ۲۸۶۴ ردیف تعرفه با نگاه درآمدزایی و حفاظتی (از صنایع داخلی) به نصف کاهش نیافتند و این قانون صرفاً مشمول ۴۰۵۳ ردیف تعرفه شده است. سهم گروه اول (که طبق قانون در خصوص آنها عمل نشد) در واردات ۴۸ میلیارد دلاری سال ۱۳۹۲، بالغ بر ۸ میلیارد دلار (۱۶ درصد) می‌شد. ضمن اینکه در وضعیت فعلی، با توجه به تسهیل شرایط بانک مرکزی، نرخ نیما به نرخ سنا بسیار نزدیک است و مشخص نیست که متوسط نرخ نیمایی در شش ماهه اول ۸۴۰۰ شود. چنانچه نرخ مبنای محاسبه بالاتر برود، میزان تورمزایی این سیاست نیز افزایش می‌یابد. نگاهی به سیاست شش ماهه دوم سال ۱۳۹۱ نیز نشان می‌دهد که دستور رند کردن تعرفه‌های اعشاری به سمت بالا سیاستی بود که بار تومری این سیاست را افزایش داد. به این ترتیب در اجرای این سیاست باید توجه داشت که:

۱. تا حد ممکن تعرفه‌ها به سمت پایین رند شود،

۲. به بهانه سیاست‌های درآمدی و حفاظتی تعداد زیادی از تعرفه‌ها از شمول این سیاست خارج نشوند،

۳. می‌توان در عین دستیابی به میانگین نرخ ارز بودجه، از نرخ‌های مختلفی برای تبدیل نرخ پایه حقوق ورودی بسته به اهمیت و اولویت کالاها استفاده کرد تا بار تومری تا حد ممکن به سمت کالاهای غیرضروری سوق داده شود.

۴. این سیاست باید برای سال ۱۳۹۹ نیز تداوم یابد تا با مستهلک شدن اثرات تومری آن، بتوان در میان مدت از مزایای کاهش نرخ تعرفه‌ها در واردات بهره‌برداری کرد.